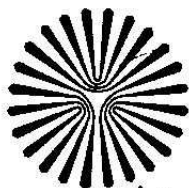


۱۳۲۴۲۳۳



دانشگاه پیام نور

تاریخ اروپا در قرون جدید

(رشته تاریخ)

www.ketab.ir

دکتر علی بیگدلی

سرشناسه	:	بیگدلی، علی، ۱۳۲۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	تاریخ اروپا در قرون جدید/ علی بیگدلی.
مشخصات نشر	:	تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	بست و چهار، ۲۸۲ ص.
فروست	:	دانشگاه پیام نور؛ ۲۱۶۷. گروه تاریخ؛ ۱۳۶
شابک	:	978 - 964 - 14 - 0214 - 5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۷۹-۲۸۲.
موضوع	:	تاریخ - راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع	:	اروپا - تاریخ
سناسه جزوده	:	دانشگاه پیام نور
نشانه افزوده	:	Payam Noor University
رده ی کتبی	:	۱۳۹۴ ت ۲۹/ب ۱۰۲ D
رده بندی بویی	:	۹۴۰
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۸۸۶۵۵۹



تاریخ اروپا در قرون جدید

مؤلف: دکتر علی بیگدلی

ویراستار علمی: دکتر ساسان طهماسبی کیانی / رضا نمروری حاجی آقا

تهیه و تولید: مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آذین

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول شهریور ۱۳۹۴

شابک: ۵ - ۲۱۴ - ۱۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 14 - 0214 - 5

فروش این کتاب فقط از طریق نمایندگی‌های دانشگاه پیام نور مجاز می باشد و فروش

آن در سایر مراکز فروش کتاب موجب تعقیب قانونی فروشنده خواهد گردید

(کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ و متعلق به دانشگاه پیام نور است. تولید، کپی یا خلاصه برداری، نشر و ترجمه، چاپ، افست، توزیع گسترده، تهیه CD و ... این اثر یا بخشی از آن اعم از متن، طرح پشت و روی جلد و ... بدون اخذ مجوز کتبی از مرکز چاپ و توزیع دانشگاه خلاف مقررات و تعرض به حقوق مادی و معنوی دانشگاه است. متخلفین وفق قانون حمایت از مولفان و مصنفان و هنرمندان دارای مسئولیت حقوقی و کیفری بوده و تحت پیگرد قرار می گیرند.)

قیمت: ۷۷۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه

هفت

فصل اول: اوضاع سیاسی - اجتماعی اروپای غربی در آستانه رنسانس

اهداف کلی

اهداف یادگیری

۱-۱ فرانسه

۱-۱-۱ ۱- لونی دوازدهم (۱۴۹۸-۱۵۱۵)

۱-۱-۲ ۲- فرانسوای اول (۱۵۱۵-۱۵۴۷)

۱-۱-۳ ۳- هانری چهارم (۱۵۸۹-۱۶۱۰)

۱-۳-۱ ۱- جنگ‌های مذهبی (کاتولیک- پروتستان)

۱-۳-۲ ۲- سولی صدراعظم هانری چهارم

۱-۴-۱ ۴- لونی سیزدهم

۱-۴-۱-۱ ۱- فلاسفه سیاسی و نظریه‌ی تقدّم دولت بر کلیسا

۱-۴-۱-۲ ۲- نوگرایی اندیشه‌ورزی در مبارزات سیاسی قرن شانزدهم

۱-۴-۱-۳ ۳- فرایند ملت‌سازی و دولت‌سازی در فرانسه

۱-۴-۱-۴ ۴- نظریه‌پردازان قدرت و حاکمیت

۲-۱ فرایند ملت‌سازی و دولت‌سازی در انگلستان

۱-۲-۱ ۱- هانری هشتم (۱۴۹۱-۱۵۴۷)

۲-۲-۱ ۲- آنگلیکانیسم

۲-۲-۳ ۳- الیزابت اول

۲-۲-۴ ۴- اصلاحات مذهبی در انگلیس

۲-۲-۵ ۵- الیزابت اول و اسپانیا، مبارزه برای تسلط بر آب‌های جهان

۲-۲-۶ ۶- جنگ انگلیس و اسپانیا، نبرد آرمادا

۲-۲-۷ ۷- استقلال هلند

سؤالات تستی

سؤالات تشریحی

۶۳	فصل دوم: استعمار
۶۳	اهداف کلی
۶۳	اهداف یادگیری
۶۵	۱-۲ انواع استعمار
۶۶	۱-۱-۲ استعمار باستانی
۶۶	۲-۱-۲ استعمار کلاسیک
۶۸	۳-۱-۲ سفر کریستف کلمب، سرآغاز عصر استعمار کلاسیک
۷۰	۴-۱-۲ استعمار پرتغال
۷۲	۵-۱-۲ استعمار اسپانیا
۷۲	۶-۱-۲ تصرف مکزیک و پرو
۷۵	۷-۱-۲ استعمار فرانسه
۸۰	۸-۱-۲ استعمار انگلیس
۸۱	۹-۱-۲ استعمار آمریکا
۸۲	۱۰-۱-۲ استعمار ژاپن
۸۴	۱۱-۱-۲ استعمار آلمان و ژاپن
۸۶	سؤالات تستی
۸۸	سؤالات تشریحی

۸۹	فصل سوم: رنسانس
۸۹	اهداف کلی
۸۹	اهداف یادگیری
۹۰	۱-۳ مفهوم رنسانس
۹۶	۲-۳ اومانیزم، بانی رنسانس
۱۰۲	۳-۳ انواع رنسانس
۱۰۴	۱-۳-۳ رنسانس ذوقی
۱۰۵	۲-۳-۳ رنسانس هنری
۱۰۷	۳-۳-۳ رنسانس ادبی
۱۱۰	۴-۳-۳ رنسانس علمی
۱۱۰	۴-۳ تعقل گرایی و تاریخ نگاری رنسانس
۱۱۳	۵-۳ نقش بورژوازی در تحقق رنسانس
۱۱۶	۶-۳ پول به جای زمین عامل تشخیص می شود.
۱۱۸	۷-۳ همبستگی ثروت و قدرت
۱۲۱	۸-۳ رنسانس و تعقل گرایی (خردورزی)
۱۲۲	۹-۳ ارکان فکری رنسانس
۱۲۲	۱-۹-۳ اومانیزم
۱۲۴	۲-۹-۳ ناسیونالیسم (تأسیس دولت های ملی در اروپا)
۱۲۷	۳-۹-۳ لیبرالیسم
۱۲۹	۴-۹-۳ ماکیاولیسم

۱۳۱	۵-۹-۳ سکولاریسم
۱۳۲	۶-۹-۳ مرکانتیلیسم
۱۳۳	سؤالات تستی
۱۳۵	سؤالات تشریحی
۱۳۷	فصل چهارم: انقلاب‌های عصر رنسانس
۱۳۷	اهداف کلی
۱۳۷	اهداف یادگیری
۱۳۹	۱-۴ جدال میان عقل و ایمان یا دین و فلسفه در قرون جدید (عصر مدرنیسم)
۱۴۱	۲-۴ جنگ‌های صلیبی و نقش مسلمانان در این جدال
۱۴۴	۳-۴ آبلارد زینستین: دانشمند کلیسایی که عقل را بر ایمان مقدم شمرد
۱۴۵	۴-۴ علم مدرن به جای عقل ایمانی به شناخت انسان و طبیعت پرداخت
۱۴۷	۵-۴ انقلاب‌های علمی
۱۴۷	۱-۵-۴ انقلاب علمی در اخترشناسی
۱۴۹	۲-۵-۴ انقلاب علمی در طبیعت و طبیعیات
۱۵۰	۶-۴ انقلاب اجتماعی
۱۵۱	۱-۶-۴ توماس هابز
۱۵۲	۲-۶-۴ جان لاک
۱۵۳	۷-۴ انقلاب مذهبی (اصلاحات یا رفرورم دینی)
۱۵۴	۱-۷-۴ مارتین لوتر
۱۵۵	۲-۷-۴ الریک زوینگلی
۱۵۶	۳-۷-۴ ژان کالون
۱۵۷	۸-۴ انقلاب جغرافیایی
۱۵۷	۱-۸-۴ کریستف کلمب
۱۵۹	۲-۸-۴ بار تلمی دیاز
۱۵۹	۳-۸-۴ آلبوکرک
۱۶۰	۹-۴ انقلاب بازرگانی
۱۶۰	۱-۹-۴ گسترش شبکه ارتباطی و ورود پول در معاملات
۱۶۱	۱۰-۴ انقلاب صنعتی
۱۶۲	۱-۱۰-۴ اختراع ماشین چاپ
۱۶۴	۲-۱۰-۴ اختراع ماشین بخار
۱۶۵	۱۱-۴ انقلاب سیاسی
۱۶۵	۱-۱۱-۴ عصر لوئی چهاردهم و سلطنت مطلقه‌ی مدرن-بستر سازی انقلاب کبیر
۱۶۷	۲-۱۱-۴ جنگ جانشینی اسپانیا
۱۶۸	۳-۱۱-۴ جنگ جانشینی لهستان
۱۶۹	۴-۱۱-۴ جنگ جانشینی اتریش
۱۷۰	۵-۱۱-۴ جنگ‌های هفت‌ساله
۱۷۱	۶-۱۱-۴ سرشت دولت مطلقه

۱۷۵	سؤالات تستی
۱۷۷	سؤالات تشریحی
۱۷۹	فصل پنجم: انقلاب انگلیس (جنگ‌های داخلی ۱۶۸۸-۱۶۴۰)
۱۷۹	اهداف کلی
۱۷۹	اهداف یادگیری
۱۸۲	۱-۵ نقش اقتصاد و دین در انقلاب انگلیس
۱۸۴	۲-۵ جمیز اول
۱۸۵	۳-۵ گردن زدن چارلز اول
۱۸۸	۱-۳-۵ بازگشت یا احیای سلطنت
۱۹۰	۲-۳-۸ انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸
۱۹۱	۳-۱-۱ ویلیام اورانژ و برقراری سلطنت مشروطه
۱۹۵	۵- فلاسفه سیاسی در انقلاب انگلیس
۱۹۵	۱-۴-۱ توماس هابز (تحلیل‌گر قدرت: ۱۶۷۹-۱۵۸۸)
۱۹۸	۲-۱-۵ جان لاک، پدر لیبرالیسم: ۱۷۰۴-۱۶۳۲)
۱۹۹	سؤالات تستی
۲۰۱	سؤالات تشریحی
۲۰۳	فصل ششم: آمریکا چگونه بسف شد
۲۰۳	اهداف کلی
۲۰۳	اهداف یادگیری
۲۰۵	۱-۶ کاشفان قاره آمریکا
۲۰۶	۲-۶ دلایل مهاجرت اروپاییان به آمریکا
۲۱۱	۳-۶ چگونگی استقرار و استعمار انگلیس در آمریکا
۲۱۲	۴-۶ فرانسویان در آمریکای شمالی (کانادا)
۲۱۳	۵-۶ جنگ‌های استقلال‌طلبانه
۲۱۵	۱-۵-۶ قانون شکر
۲۱۶	۲-۵-۶ قانون عوارض
۲۱۶	۳-۵-۶ قانون تعمیر
۲۱۷	۴-۵-۶ قانون چای و شروع انقلاب
۲۱۸	۶-۶ صدور اعلامیه استقلال
۲۱۹	۷-۶ قانون اساسی آمریکا
۲۲۴	۸-۶ جنگ‌های داخلی، جنگ‌های شمال و جنوب، جنگ‌های برده‌داری
۲۲۷	۹-۶ آمریکا سرزمین موعود یهودیان
۲۳۱	۱۰-۶ پوریتن‌های روشنفکر
۲۳۲	۱-۱۰-۶ توماس جفرسون
۲۳۳	۲-۱۰-۶ توماس پین
۲۳۳	۳-۱۰-۶ جیمز مدیسون
۲۳۴	۴-۱۰-۶ جان دکینسون

۲۳۴	۵-۱۰-۶ ساموئل آدامز
۲۳۵	۶-۱۰-۶ جان آدامز
۲۳۵	۱۱-۶ نقش فراماسونری در انقلاب آمریکا
۲۳۹	۱۲-۶ یهودی سازی مسیحیان آمریکایی
۲۴۱	سؤالات تستی
۲۴۳	سؤالات تشریحی
۲۴۵	فصل هفتم: جنگ‌های سی‌ساله و پیمان وستفالی
۲۴۵	اهداف کلی
۲۴۵	اهداف یادگیری
۲۴۶	۱-۷ شکل‌گیری جنگ‌ها
۲۴۷	۲-۷ اردوگاه‌های متخاصم
۲۴۸	۳-۷ انعقاد پیمان‌های صلح
۲۴۹	۴-۷ نتایج جنگ‌ها
۲۵۱	سؤالات تستی
۲۵۲	سؤالات تشریحی
۲۵۳	فصل هشتم: عصر روشنگری
۲۵۳	اهداف کلی
۲۵۳	اهداف یادگیری
۲۵۴	۱-۸ تغییرات معنوی
۲۵۷	۱-۱-۸ محرک‌ها، دلایل و اهداف جنبش روشنگری
۲۵۸	۲-۱-۸ مبانی فکری جنبش روشنگری
۲۶۰	۳-۱-۸ جایگاه فراماسونری در شکل‌گیری عصر روشنگری
۲۶۲	۴-۱-۸ آنسیکلوپدی
۲۶۳	۵-۱-۸ استبداد روشنگرانه
۲۶۵	سؤالات تستی
۲۶۶	سؤالات تشریحی
۲۶۹	نتیجه‌گیری
۲۷۵	پاسخنامه
۲۷۹	منابع

مقدمه

مبانی نظری تمدن مدرن غرب

در بررسی مبانی نظری تمدن مدرن غرب، زمین، باید اروپای غربی را به منزله قلب و خاستگاه این تمدن در نظر گرفت. زیرا ایالات متحده، کانادا و آمریکای لاتین، گرچه از نظر جغرافیایی، غرب به حساب می آیند، اما نقشی در ساخت تمدن مدرن غرب نداشتند. چنانچه رنسانس را نقطه عزیمت این تمدن در نظر بگیریم، این رویداد برآیند فرایند تاریخ اروپای غربی و گاه اروپای مرکزی است. اگر امروز آمریکا بخشی از غرب تمدنی به حساب می آید، این امر نتیجه مهاجرت از اروپا به آمریکای قرن هفدهم است که سهمی از رنسانس را به آمریکا بردند.

فقط اروپای غربی بود که در سیر تکامل سیستماتیک تاریخی خود، توانست به چنین تمدنی دست یابد. از یونان و روم به قرون وسطی و تاریخ سانس و عصر روشنگری و سپس انقلاب صنعتی انگلیس و انقلاب سیاسی فرانسه گذار مهم کرد و بسیاری از مراحل نظامی - سیاسی را پشت سر گذاشت تا این که به دموکراسی که نمونه بارز تمدن مدرن است، دست یافت. هیچ تمدن دیگری نتوانسته این مسیر رو به تعالی را چنین بگذراند. وانگهی تمدن مدرن غرب یک امر خودجوش و درونزا بود. به همین دلیل قابل تقلید برای تمدن دیگری نیست؛ زیرا ابزار و اندیشه این تمدن از درون شرایط خاص اروپای غربی سر برآورده است. هانتینگتون در یک سخنرانی در دانشگاه توکیو در پاسخ به یک دانشجوی ژاپنی گفت: شما می توانید مدرن شوید، اما نمی توانید غربی شوید. همان گونه که در قرن های چهارم و پنجم هجری که مصادف است با عصر

شکوفایی تمدن ایرانی - اسلامی و دانشمندان اروپایی از برکات علمی - فلسفی این تمدن بسیار بهره‌مند شدند، هیچگاه ایرانی، شرقی یا مسلمان نشدند. آلبرت کیپر که خود را شاگرد ابن سینا می‌دانست و در تمام زمینه‌ها از او تقلید می‌کرد، هیچگاه ابوعلی سینا نشد.

تمدن غرب، ترکیبی از سه عامل تمدنی است که طی سه مرحله تاریخی شکل گرفت:

الف) تمدن یونانی که خود حاصل سه پیام مهم تمدنی بود:

- فردگرایی در چارچوب نظام شهر - دولت‌ها

- روح فلسفه انتقادی

- تعقل گرایی

ب) تمدن رومی نیز شامل سه پیام مهم تمدنی بود:

- طرح پدیده شهرندی

- برقراری نظام حقوقی مدرن

- تأسیس امپراتوری بر پایه اختلاط دین و دولت

ج) تمدن مسیحی، سه عامل یا حامل تمدنی را به بار آورد:

- ارزش‌مداری ذاتی انسان

- احترام به روح احسان و مروت

- اعلان برابری انسان‌ها در پیشگاه خداوند که در واقع مبارزه آسمانی با نظام

طبقاتی روم بود.

همین تمدن مسیحی هنگامی که در قرون وسطی به قدرت رسید، این اصل برابری انسان‌ها را برای رضایت خاطر امپراتور به نوع دیگری تعبیر کرد. سن پل، شارح مسیحیت، وقتی مسیحیان را به امپراتوری روم برد، چون با نظام طبقاتی رومی روبه‌رو شد اعلام کرد: آنچه عیسی مسیح (ع) گفته برابری انسان، فقط در پیشگاه پدر و در آسمان است، ولی در زمین، انسان‌ها تابع فرمان امپراتور هستند.

اروپای غربی در ساخت تمدن مدرن، فقط از منابع خودی یعنی یونانی و رومی بهره‌مند نشد، بلکه از منابع بیرونی به‌ویژه منابع و مآخذ ایرانی - اسلامی، هندی، چینی، بابلی، یهودی و غیره استفاده کرد. اروپاییان برای ساخت بنای عظیم تمدن رنسانسی از

آثار و بقایای هر تمدن دیگری بهره گرفتند. این فقدان عصیت علمی که در تمدنی دیگر، کمتر سابقه داشت قابل تقدیر است. بهره‌گیری از آثار تمدنی دیگر یک ادعا نیست، بلکه مورخان بزرگ امروز اروپا از جمله «ژاک لوگف»^۱ معتقد است که اومانیست‌ها برای بنای تمدن رنسانسی از تمام کانون‌های تمدنی و به‌ویژه از تمدن بین‌النهرین استفاده کردند.

دموکریت، فیلسوف یونانی قرن پنجم ق.م و بنیانگذار مکتب اتمیسم در تئوری حرکت در تاریخ، برای نخستین بار اعلام کرد: تاریخ، تابع یک حرکت ذاتی است. این حرکت، تابع امر انضمامی است؛ یکی سرعت در حرکت و دیگری سرعت در تغییر. بنابراین بر اساس این تئوری، نه تنها تاریخ، بلکه همه چیز در طبیعت در حرکت است و این حرکت بر سمت وصال و تعالی و تغییر پیش می‌رود. به این ترتیب تاریخ دیگر تکرار نمی‌شود و به قول هگل، چرخ دنده‌های تاریخ به عقب بر نمی‌گردد. هگل در کتاب «فلسفه تاریخ» خود و تحت تأثیر ایده آلیسم آلمان، این سیر کمال یافته را منتهی به «روح» مطلق می‌داند که در امراتو، مژمن حلول پیدا می‌کند.

با توجه به اصالت قهری بودن حرکت تاریخ، تغییرات اجتماعی که از یک سو محصول این حرکت و از دیگر سو تا حدی از این حرکت هستند، نمی‌توانند بر قهری بودن حرکت تاریخ غلبه پیدا کنند؛ زیرا تغییرات اجتماعی یک ضرورت تاریخی و پاسخ به انتظارات تاریخ است. بنابراین، تاریخ، مقهور اراده قهرمانان نیست؛ زیرا تغییر و تحول، یک ضرورت تاریخی است که هیچ اراده‌ای از زور تاریخ آن‌ها را به وجود نمی‌آورد. منتهی زمانی که امواج تغییر و تحول در بستر تاریخ رخ می‌دهد، اینجاست که قهرمانان بر این امواج سوار می‌شوند و اراده خود را بر سمت و سون حرکت تاریخ تحمیل می‌کنند و آن را به چپ یا راست هدایت و یا این حرکت را کند یا تند می‌کنند، ولی این تحمیل اراده، موقتی است؛ زیرا به مجردی که این اراده سلب شود، تاریخ به حرکت طبیعی خود ادامه می‌دهد.

در حالی که تاریخ تمدن مشرق زمین از نظر وجود محرک اجتماعی فقیر است و همین امر موجب عدم پویایی آن شده است، تمدن مغرب زمین به دلیل فراوانی محرک اجتماعی، هر روز شاهد تغییرات بنیادینی به سمت کمال است. از جمله این محرک‌ها

۱. Jacques Le Goff. Les intellectuels au Moyen-Age. Ed. Seuil. Paris. 1957. p 19.

می‌توان به انقلاب جغرافیایی کریستف کلمب، انقلاب مذهبی مارتین لوتر و انقلاب سیاسی ماکیاوول اشاره کرد. این انقلابات و اختراعات باعث بروز تمدن رنسانسی به‌عنوان بارزترین محرک اجتماعی و نقطه عبور مغرب زمین از پوسته‌های سستی به لایه‌های مدرن شد. تمدن مغرب زمین در منحنی صعودی خود، محصول محرک‌ها و تغییرات بنیادین اجتماعی بود. همین محرک‌ها موجب تغییر در مبانی نظری و ساختاری این تمدن شد.

حال با عنایت به این مقدمه، سؤال این است که قرون جدید به‌عنوان منشأ و مبدأ شکل‌گیری تمدن غرب، در نتیجه چه تغییر و تحولی می‌توانست مبانی نظری، ساختاری و رفتار تمدن غرب را به مدد عقلانیت ابزاری و عقلانیت انتقادی نسبت به گذشته متحول و مسطح‌تر شدن را از سایر تمدن‌ها جدا کرده و درنهایت آن را به تمدنی پیشرو و سطح‌گرا تبدیل کند؟

احتمالاً در قرن هجدهم میلی که توانست تمدن غرب را در مسیر مدرن شدن قرار دهد و آن را به تمدن مسطح تبدیل کند، دل‌کنندگان این تمدن از آموزه اخلاقی تمدن قرون وسطایی بود که پیروان خود را به کجانشینی، بیگانه‌گریزی، کم‌تحرکی، تقدیرگرایی، قناعت‌پیشگی و دنیاگریزی تشویق می‌کرد. جنگ‌های صلیبی نقطه عطف دل‌بریدگی از این آموزه‌ها و نگاه‌ها به ارزش‌های جدیدی بود که اومانیست‌ها به‌عنوان متولیان تمدن مدرن، آن‌ها را رواج دادند.

این ارزش‌ها عبارت بودند از: سکریسم، لیبرالیسم، اندیویدوالیسم و راسیونالیسم. انسان‌هایی که پایشان در گل فتودالیسم و دامن پروتستانت کلیسایی بود، اینک با ناکامی در جنگ‌های صلیبی، پایه‌های ایمان‌ساز سست به تعالیم کلیسا سست شد و به جای فتودال و کلیسا در خدمت بورژوازی و محاسبات علمی قرار گرفتند. بورژوازی حسّ جدیدی را به نیروهای رها شده از کلیسا القا کرد و آن هم حسّ ماجراجویی و جستجوگری بود.

محصول عملی این دو حسّ، سفر کریستف کلمب بود که دنیای جدیدی را به روی اروپای غربی گشود.

همزمان با رشد بورژوازی، طیف جدیدی از فلاسفه وارد میدان شدند. بورژوازی به‌عنوان صاحب عقل ابزاری و فلاسفه به‌عنوان اندیشه ورزان عقل انتقادی با عقل

ارتباطی درهم آمیختند و مبانی نظری تمدن مدرن غرب را پی‌ریزی کردند. فلاسفه نیز حسن جستجوگری را به جامعه القا کردند این دو «حسن» گرچه بخشی از مبانی ساختاری و مبانی رفتاری تمدن نوین غرب را شکل دهی کرد، اما آموزه‌های اخلاقی ناپسندی مثل سودپرستی، تجاوزگری و بی‌عدالتی را به بار آورد که موجب بروز انحطاط اخلاقی در خانواده و جامعه شد.

به‌عنوان عقل انتقادی، رنه دکارت با انتقاد از بنیادهای فلسفی ارسطو و افلاطون، هابز با طرح دولت تأسیسی و لاک با جامعه مدنی و به‌ویژه روسو با ارائه تئوری قرارداد اجتماعی و آدم اراده جمعی، نسبت به اراده فردی به فروپاشی نظام قرون وسطایی کمک کردند. اروپا وارد عصر روشنگری شد.

به‌عنوان عقل ابزاری اختراع ماشین‌های چاپ بخار، تمدن غرب را به یک تمدن ابزارساز تبدیل کرد. از درهم آمیختگی این دو عقل با دو حسن یاد شده در بالا و با بروز دو انقلاب سرنوشت ساز، تمدن غرب عملاً وارد عصر مدرنیته شد و مبانی نظری آن شکل گرفت.

۱. انقلاب صنعتی انگلیس زمینه عقاید ابزاری را با ایجاد سرعت در مناسبات تولید و تغییر در مهندسی اجتماعی «سبک زندگی» Life System جدید را برای اروپاییان به‌وجود آورد.

۲. انقلاب سیاسی فرانسه به‌عنوان میراث عصر روشنگری، مباحثات گشایش حوزه خردورزی، عقلانیت انتقادی و لغو اندیشه «حق الهی سلطنت» فراهم کرد. این دو انقلاب، دو سطحی یا دو ضلعی بودن تمدن مدرن را کاملاً مشخص می‌کند. انقلاب فرانسه به سرعت، آموزه‌های فکری خود را که حاکم اراده فرد از سلطه و ستم پادشاهی مستبد بود، به سراسر جهان منتقل کرد و موجب بی‌داری ملت‌ها شد.

این سطح قابل ستایش این تمدن است که می‌توانست دموکراسی را برای تمام جهان به ارمغان آورد.

انقلاب صنعتی انگلیس، سطح خشن، حسن عصیانگر و رفتار تجاوزگرانه تمدن مدرن را به نمایش گذاشت. اصلی‌ترین سمبل این انقلاب، «اسلحه» بود؛ پدیده‌ای که موجب «هژمونی» غرب بر جهان شد و چهره کریه استعمار و استثمار را به همراه آورد.